



داگلاس نورث ؛ نویسنده کتاب فهم فرایند تحول اقتصادی



# (بهبود عملکرد اقتصادی)

کتاب فهم فرآیند تحول اقتصادی

نوشته داگلاس نورث

## مقدمه:

بررسی اقتصادهای جهان در آغاز قرن بیست و یکم ، رونق بی سابقه‌ای را در مقایسه با اوضاع اقتصادی در زمان گذشته نشان می‌دهد. با وجود این هنوز بیش از  $\frac{3}{5}$  میلیارد نفر روزانه کمتر از ۲ دلار دارند.

ما نه تنها درباره شرایط زیربنایی و بنیانی رشد اقتصادی موفق آگاهی داریم بلکه حتی نوع نهادهای ضروری برای تقویت رشد اقتصادی موفق را می‌شناسیم. علاوه بر این ذخیره دانش مفید ( عامل تعیین کننده و زیربنایی بالقوه برای رشد اقتصادی) با آهنگی که نسبت به قبل کاهش نیافته است، پیوسته توسعه می‌یابد. پس چرا.....

سازوکاری که در آن باورها به نهادها و سپس نهادها به سازمان‌ها و بعد سازمان‌ها به سیاست‌ها و در نهایت نتایج تحول می‌یابد، به رفاه اقتصادی نامتوازن و ناکامی‌های بی‌پایان و فلاکت بشر منجر شده است.



در فصول گذشته سه معمای کلیدی در فرآیند تحول اقتصادی یعنی گذار از مبادله شخصی به مبادله غیر شخصی، ساختار نهادی به هم وابسته و پیچیده که مشخصه محیط انسانی مدرن است، و جهان در حال تغییر تصریح شد.

در این فصل ما با باورها و ساختار نهادی منتج شروع می‌کنیم و سپس مشکلات برخاسته از ساختار در حال تکامل امور سیاسی و اقتصادها و هزینه‌های مبادلاتی ناشی از آنها و مسائل ناشی از دانش پراکنده را مورد بررسی قرار می‌دهیم. آنگاه می‌توانیم پیشنهادهایی عینی برای بهبود عملکرد به دست آوریم.

# قسمت اول

## عملکرد ضعیف در وابستگی به مسیر ریشه دارد.

ما ساختار مصنوع ذهنی ( یعنی نهادها، باورها، ابزارها، فنون، نظام‌های ذخیره نمادهای بیرونی) را از گذشته به ارث می‌بریم و با نادیده گرفتن آن در تصمیم‌گیری، خودمان را به ناکامی در تلاش برای بهبود عملکرد اقتصادی می‌کشانیم. این میراث فرهنگی در هر زمانی محدودیت‌های بسیاری را بر توانایی انجام تحول تحمیل می‌کند.

# مشکلات ناشی از این ساختار مصنوع ذهنی

➤ ساختار نهادی به ارث مانده از گذشته می تواند نشان دهنده مجموعه ای از باورهایی باشند که در مقابل تغییر، مقاوم و نفوذناپذیرند، یا به این دلیل که تغییرات پیشنهاد شده به آن نظام باور تضاد دارد یا به این دلیل که تغییرات مذکور در نهادها، موقعیت رهبران و کارآفرینان سازمان های موجود را تهدید می کند.

➤ در جایی که باورهای رقیب در کنار هم وجود دارند، مشکلات ایجاد مجموعه ای کارآمد از تمهیدات نهادی افزایش می یابد و می تواند به تجویز برقراری قواعد سیاسی مبتنی بر تفاهم و آرای عمومی برای حوادث نامطلوب کوتاه مدت بینجامد.

➤ این ساختار مصنوع که عملکرد یک اقتصاد را تعیین می کند، نهادهایی به هم وابسته را دربر می گیرد؛ تغییر فقط یک نهاد در تلاش برای دستیابی به عملکرد مطلوب، همواره اقدامی ناقص و گاهی اوقات غیرمولد است.

.....

▶ آمیزه‌ای از نهادهای رسمی و غیررسمی، و ضمانت اجرای آنها عملکرد نهادی را تعیین می‌کند؛ و در حالی که نهادهای رسمی را می‌توان با دستور تغییر داد، نهادهای غیررسمی، تغییر عمدی کوتاه‌مدت را نمی‌پذیرند و ضمانت اجرای آنها فقط به نحوی بسیار ناقص، در معرض کنترل عامدانه قرار می‌گیرد.

▶ تغییر در عملکرد یک اقتصاد برای بهبود زمان می‌برد، زمانی بیش از افق زمانی سیاست‌مداری که باید این تغییرات را به تصویب برساند.

اصلاحات در کوتاه‌مدت می‌تواند تغییراتی را ضرورت بخشد که وضع برخی بازیگران را وخیم‌تر کند و اگر آنها به فرآیند سیاسی دسترسی یابند، می‌توانند اصلاحات را به خوبی از ریل خارج کنند.



## مدل سیاسی "ایده آل"

چهار مؤلفه برای مدل سیاسی "ایده آل":

۱. یک ماتریس نهادی که مجموعه‌ای از سازمان‌ها را ایجاد و حقوق و امتیازات ویژه‌ای را برقرار می‌کند؛
۲. یک ساختار باثبات روابط مبادله در بازارهای سیاسی و اقتصادی؛
۳. یک ساختار بنیادی که دولت را به اجرای مجموعه‌ای از قواعد سیاسی و اجرایی متعهد کند که سازمان‌ها و روابط مبادله را مورد حفاظت قرار دهد؛
۴. انطباق و هم‌نوایی به عنوان نتیجه آمیزه‌ای از درونی‌سازی هنجارها و اجرای سرکوب‌گرانه.

## مدل اقتصادی ایده آل

مدل اقتصادی ایده آل، مجموعه‌ای از نهادهای اقتصادی را شامل می‌شود که انگیزه‌هایی را برای افراد و سازمان‌ها به منظور اشتغال به فعالیت‌های مولد فراهم می‌کند. اما چنین صورتبندی کلی ما را خیلی به هدف نزدیک نمی‌کند. ایجاد مجموعه‌ای از حقوق مالکیت که ما را بسوی نظام قیمت کارآمد سوق دهد، گامی ضروری است.

# بهبود عملکرد اقتصادی و کاهش هزینه‌های تولید و هزینه‌های مبادلاتی

بهبود عملکرد اقتصادی به معنای کاهش هزینه‌های تولید و هزینه‌های مبادلاتی است و اصلاح نهادها برای تحقق این هدف، امری کلیدی است.

ایجاد یک نظام یکنواخت اوزان و سنجه‌ها، بررسی فناوریانه برای اندازه‌گیری و سنجش مناسب‌تر، و تصریح بهتر حقوق مالکیت

ایجاد یک نظام قضایی کارآمد به منظور کاهش هزینه‌های اجرای قرارداد

توسعه نهادها به منظور یکپارچه‌سازی دانش پراکنده در یک جامعه و نظارت و سنجش توافقات و داوری درباره اختلافات.

باید تأکید کرد نهادهایی که در دنیای غرب پدید آمدند، مانند حقوق مالکیت و نظام‌های قضایی، نباید عیناً در کشورهای در حال توسعه تقلید و کپی شوند. ساختار انگیزشی که ایجاد می‌شود، مهم و کلیدی است، نه تقلید برده‌وار از نهادهای غربی.

## ماتریس نهادی

► اقتصادهای با عملکرد ضعیف، دارای ماتریس نهادی هستند که انگیزه‌های لازم را برای فعالیتهای بهبوددهنده بهره‌وری تأمین نمی‌کند. این تبیین از دو نظر مورد توجه است:

**اول** اینکه ساختار نهادی موجود آنها، سازمان‌هایی را همراه با منافع مقرر در ساختار موجود ایجاد کرده‌است.

**دوم** اینکه برای ایجاد بازارهای محصول و عوامل تولید، دانش پراکنده نیازمند ترکیب پیچیده‌ای از نهادها و سازمان‌هاست و ما برای دستیابی به این نتایج، این آمیزه خاص را به طور کامل نمی‌شناسیم.



➤ مسئله اول تداوم مشتری گرایی، پیامدهای تلاش برای گسترش مبادله شخصی به درون بازارهای سیاسی و اقتصادی بزرگتر است.

که در بازارهای سیاسی نوعا دموکراسی با عملکرد ضعیف همراه با فساد را ایجاد کرده است.

تاریخ غم‌انگیز صحرای جنوب آفریقای مدرن، ادعای آشکار از دانش ناکافی ما درباره سیاست‌های توسعه اقتصادی است؛ تاریخ سیاسی آمریکای لاتین، فقط اندکی کمتر دل‌سردکننده است؛ و تجربه روسیه در ده سال آخر قرن بیستم، درسی جالب درباره فهم ضعیف ما از ایجاد یک امر سیاسی کارآمد است.

**یک مشکل** غلبه بر منافع تثبیت شده ای است که وضعیت فعلی را تداوم می بخشد و **مشکل دیگر** رابطه پیچیده میان قواعد رسمی و محدودیت های غیر رسمی است

روزنه های فرصت برای تغییر در قواعد رسمی هنگامی پیدا میشود که سازمان های حامی وضعیت فعلی در اثر عملکرد ضعیف و قرار گرفتن در معرض فساد تضعیف شده باشند.

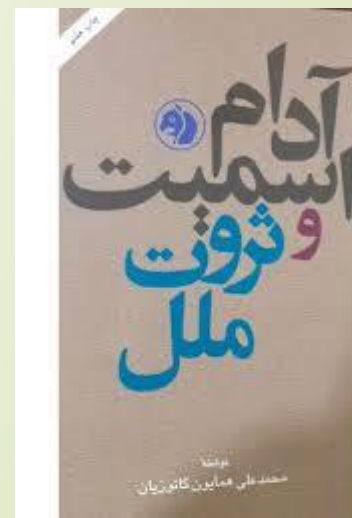
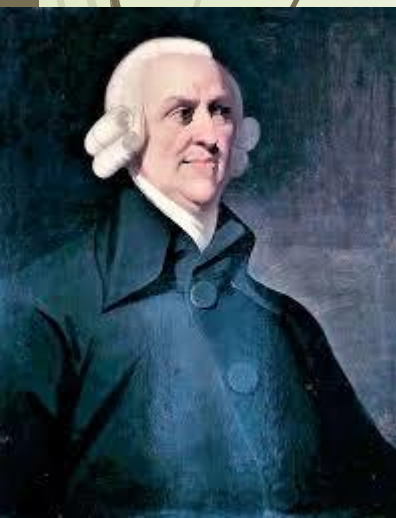
آنچه که برای عملکرد موفقیت آمیز اقتصادهای توسعه یافته در بلندمدت ضرورت داشته، هنجارهای غیررسمی تثبیت شده ای بوده است که میزان آزادی بازیگران سیاسی را محدود می کنند. و ضمانت اجرا نیز هم مستلزم ایجاد نهادها و سازمان های لازم و هم مستلزم شکل گیری محدودیت های غیررسمی مکمل است.

ایجاد امر سیاسی مبتنی بر تفاهم و آرای عمومی پایدار زمان میبرد. و صرفا توجه به جایگاه قواهد رسمی روشی برای دستیابی به **ناکامی** \_ اگر نگوییم **فاجعه** \_ است

## ساختار بهم وابسته و پیچیده

یکپارچه سازی دانش پراکنده برای نیل به دستاوردهای آن، مستلزم چیزی فراتر از یک نظام قیمت است.

ثروت ملل آدام اسمیت، نتیجه تخصیصی شدن و تقسیم کار بود. اما منطق تخصیصی شدن و تقسیم کار بر جهانی دلالت می کند که در آن افراد به میزان بسیاری درباره تخصیص شان می دانند، اما کمتر درباره سایر جنبه های دنیای شان آگاهی دارند.





هایک بر این نکته تأکید کرده است که:  
دانش ما همواره در بهترین حالت، تکه تکه  
و چندپاره است و مطالعه ابتکاری وی در  
علوم شناختی، بنیانی برای توجه به فهم ناقص  
ما فراهم کرده است. اما هایک ناکام از  
درک این موضوع بود که ما انتخابی نداریم.

آگاهی، هم ریشه خلاق بودن و هم منشأ ظرفیت و توانایی ما برای تخریب خودمان است.



به رسمیت شناختن اینکه نهادها مظهر قصدمندی ذهن آگاه ما هستند، بنیان فهم نقش نهادها در یک جامعه است. این ساختار، ساخته بشر است که کارکردش "طبیعی" است. اگر قرار باشد این ساختار به نحو مطلوبی عمل کند همواره باید با تغییراتی در پارمترهای اصلی فناوری، اطلاعات، و سرمایه انسانی دگرگون شود.

ما در جهانی بدون تغییر در نهایت درست عمل می‌کنیم، اما در جهان سرشار از تغییرات پیوسته جدیدی که در آن زندگی می‌کنیم، چنین تضمینی وجود ندارد. بهترین روش برای رویارویی با این وضعیت شیوه‌هایک است؛ این شیوه عبارت است از محافظت از نهادهایی که اجازه می‌دهند تجربیات آزمون و خطا اتفاق بیافتد. چنین ساختاری نه تنها مستلزم وجود مجموعه متنوعی از نهادها و سازمان‌هاست، به نحوی که بتوان سیاست‌های بدیل را تجربه کرد، بلکه مستلزم وجود ابزارهایی کارآمد برای حذف راه‌حل‌های ناموفق نیز است.

## قسمت پنجم

نکات قابل ذکر درباره فهم مان از ایجاد عملکرد اقتصادی مطلوب

اولین شرط لازم برای بهبود عملکرد اقتصادی، داشتن فهمی روشن از ریشه‌های عملکرد اقتصادی ضعیف است. اندازه‌گیری هزینه مبادلاتی در بازارهای عوامل تولید و محصول، اولین گام ضروری است. هزینه‌های مبادلاتی عمدتاً مانع تولید همه کالا و خدماتی خواهد شد که با توجه به داشته‌های اولیه عامل، باید سرمایه‌گذاری‌های سودمند می‌بودند. بنابراین لازمه ضروری دیگر، درک دقیق چشم اندازهای بالقوه اقتصاد است، به نحوی که با کاهش هزینه‌های مبادلاتی بتوان به پیش‌بینی گسترش تنوع کالاها و خدماتی پرداخت که اقتصاد تولید می‌کند.

## قسمت پنجم

نکات قابل ذکر درباره فهم مان از ایجاد عملکرد اقتصادی مطلوب

به منظور بهبود ساختار نهادی، ابتدا باید فهمی روشن از ریشه‌های چارچوب نهادی داشته باشیم.

فهم میراث فرهنگی جامعه شرط ضروری "میسر" کردن تحول است

ما نه تنها باید فهم روشنی از ساختار باورهایی داشته باشیم که شالوده نهادهای موجود را تشکیل می‌دهند، بلکه باید به شناسایی مرزهایی پردازیم که در آنها نظام باورها می‌تواند پذیرای تغییراتی باشد که تحقق نهادهای مولدتر را میسر می‌کند.

## قسمت پنجم

نکات قابل ذکر درباره فهم مان از ایجاد عملکرد اقتصادی مطلوب

در صورت رقابت از سوی اقتصادهای قبلا توسعه یافته، اقتصادهای کمتر توسعه یافته با مشکلات دیگری مواجه می شوند که شامل یکپارچه سازی دانش پراکنده است که برای عملکرد با هزینه پایین ضروری است.

اقتصادهای قبلا توسعه یافته با یکپارچه سازی دانش پراکنده، توان بالقوه برای بهره وری را به دست آوردند. بنابراین، مجموعه تنوعی از مداخلات دولت ممکن است در کوتاه مدت برای رقابتی شدن ضرورت داشته باشد.

## قسمت پنجم

نکات قابل ذکر درباره فهم مان از ایجاد عملکرد اقتصادی مطلوب

یک امر سیاسی کارآمد که نهادهای اقتصادی ضروری را در جایگاهشان قرار دهد و ضمانت اجرای مؤثری را فراهم کند، پیش شرطی ضروری برای عملکرد بهتر است.

در کشوری که فاقد میراثی از نهادهای سیاسی رسمی و غیررسمی مبتنی بر تفاهم و آرای عمومی است، در حرکت به سوی یک نظام سیاسی کارآمد، به حاکمی اقتدارگرا با قدرت فهم، تمایل، و توانایی وضع قواعد اقتصادی لازم و اجرای آنها نیاز است.

یا فرایند بسیار طولانی تر توسعه تدریجی توسط سازمانهای مردم-نهاد (NGO) و کمک خارجی مؤثر ضرورت دارد؛ به طوری برنامه کمک آموزشی، بهداشتی، قضایی یا سایر کمکها به نحوی کارآمد تدوین گردد و با هدف انتقال دانش و مهارت‌های ضروری به جمعیت ساکن اجرا شود. یکی از پیامدها، انباشت تدریجی سرمایه انسانی سیاسی لازم برای ایجاد امر سیاسی کارآمد مبتنی بر تفاهم و آرای عمومی خواهد بود.



تغییر قواعد اقتصادی، مستلزم وجود **برندگان** و **بازندگان** است و ضرورت دارد که از وجود آنها دسترسی شان به فرآیند سیاسی و بنابر این توانایی بازنده ها برای خنثی و بی اثر کردن تغییرات پیشنهاد شده آگاه باشیم.

در جایی که شرایط لازم برای امر سیاسی مبتنی بر تفاهم و آرای عمومی وجود دارد، توسعه قواعد نهادی که **شفافیت** بیشتری در امر سیاسی فراهم می کند، کنترل مؤثرتر بر امر سیاسی را میسر خواهد کرد.

## و در نتیجه

اگرچه ریشه‌های رشد مولد شناخته شده‌اند، فرآیند رشد اقتصادی در هر جامعه‌ای متفاوت است که این وضعیت منعکس کننده میراث‌های فرهنگی متنوع و شرایط مختلف جغرافیایی، فیزیکی و اقتصادی است.

### پیام کتاب حاضر این است که شما

قبل از آنکه بتوانید عملکرد را بهبود بخشید، باید به فهم فرآیند رشد اقتصادی بپردازید و قبل از آنکه به منظور تلاش برای تغییر آن آماده شوید، باید فهمی دقیق از ویژگی‌های منفرد آن جامعه داشته باشید. سپس باید درکی از پیچیدگی‌های تحول نهادی داشته باشید تا در اجرای آن تحول مؤثر عمل کنید.